خراسان رضوی

صفحه آخر

یک شنبه
۲۱ مرداد ۱۳۹۷
۲۹ ذی القعده ۱۴۳۹
۸ صفحه/شماره ۳۹۱۹

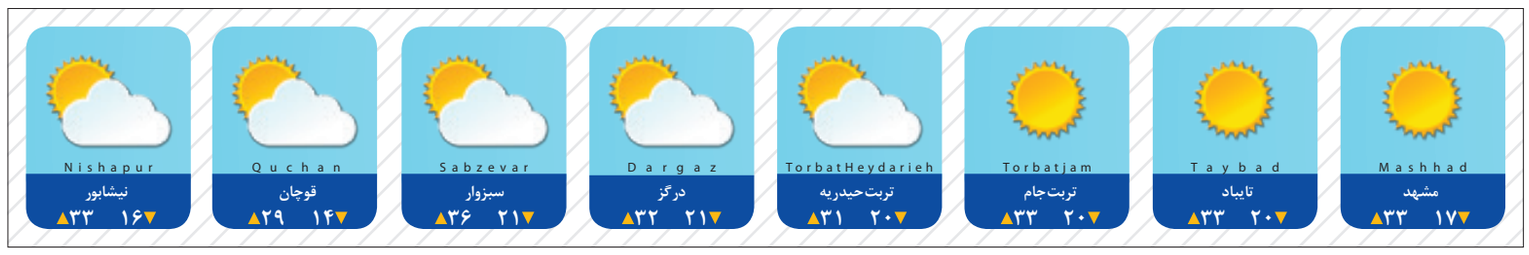

روزنامه خراسان رضوی:
رتبه یک نشریات استانی

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیرمسئول: محمد سعید احدیان
سردبیر: سیدعلی علوی

دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهید صادقی
صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵
تلفن: ۳۷۶۳۴۰۰۰-۰۵۱

نمابر دبیرخانه: ۰۵۱۳۷۶۲۴۳۹۵
پذیرش آگهی و اشتراک: ۰۵۱۳۷۰۱۰
پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

چاپ مشهد: شهر چاپ خراسان
روابط عمومی: ۰۵۱۳۷۰۰۹۱۱۱
نمابر تحریریه: ۰۵۱۳۷۶۲۶۵۰۱

حکمت روز

امام صادق (ع)

روشنایی دل را جویید م و آن را در اندیشیدن و گریستن یافتم و گذر از صراط را جویید م و آن را در صدقه دادن یافتم و نورانیت چهره را جویید م و آن را در نماز شب یافتم.

مستدرک الوسائل ج ۱۲، ص ۱۷۳، ص ۱۳۸۱۰

مناجات

خواجه عبدا... انصاری

الهی!
ای دور نظر وای نیکو حضر وای نیکو کار نیک منظر ای دلیل هر برگشته
و ای راهنمای هر سرگشته، ای چاره ساز هر بیچاره وای آرنده هر آواره
ای جامع هر پراکنده وای رافع هر افتاده، دست ما گیر ای بخشنده بخشاینده

با شاعران

فاضل نظری

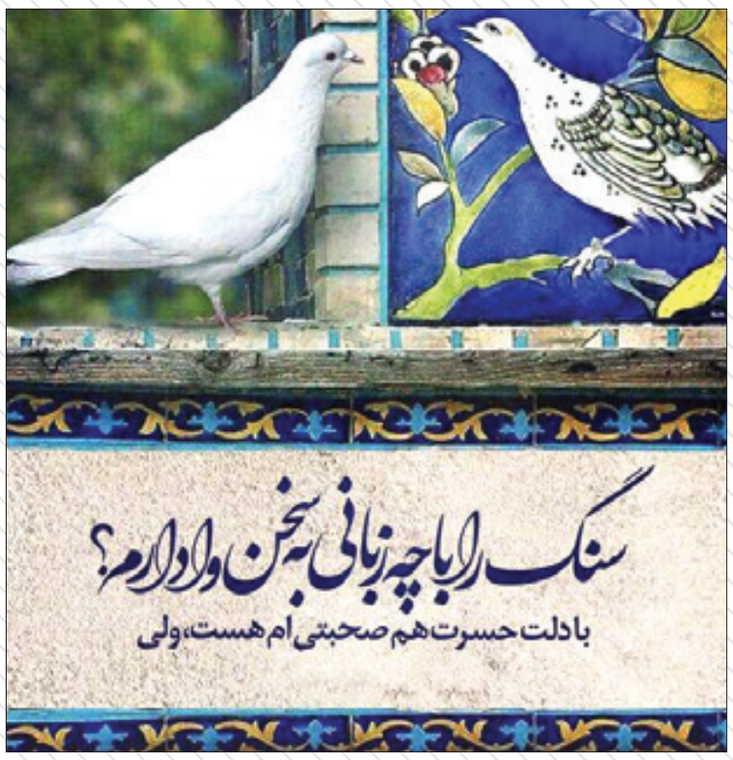

مشهد # Mashhad

شهر و استان در شبکه‌های اجتماعی

برزو ارجمند بازیگر خراسانی در تازه ترین مصاحبه خود با روزنامه «جام جم»، از تغییر رویه در انتخاب نقش هایش گفت و توضیح داد: «الان هر نقشی را قبول نمی کنم و می کوشم با وسواس بیشتری انتخاب کنم. به قول معروف دیگر آزمون و خطاهایم را انجام داده‌ام.» او در پاسخ به این سوال که «داغ نقشی به دلتان مانده است که بازی نکرده باشید؟»، گفت: دوست داشتم نقش یک نابینا را بازی کنم، اما این اتفاق نیفتاده است. وقتی فیلمنامه خوب باشد، بازی می کنم؛ اما اشکالی وجود دارد و این که فیلمنامه‌ها کامل نوشته نمی‌شود. به همین دلیل بازیگر نمی‌تواند از نقطه صفر تا صد یک کاراکتر را برای خودش ترسیم کند. در این مواقع باید سوار بر تجربه بود، چون نقطه آخر مشخص نیست. ما در سریال صاحبدلان یک فیلمنامه کامل داشتیم، بنابراین کل نقش را در ذهنم طراحی کردم، اما کمتر شاهد فیلمنامه کامل هستیم.

عکسی زیبا از کلات نادر

حسین صافی هنرمند مشهدی و کاریکاتوریست و انیمیشن ساز مطرح کشور که با انیمیشن «شکرستان» شناخته می شود، به تازگی در گفت و گویی با خبرگزاری فرهنگ رضوی بیان کرد: تولید در انیمیشن مستلزم هزینه مناسب و بالاست و ما همیشه مشکل هزینه را داشته ایم. اما بیشتر از مشکل هزینه مشکل مدیریت هزینه را داشتیم. تولید و سفارش انیمیشن در ایران شکل درستی نداشته است. متاسفانه این جا هم دلال بازی ها و فساد اقتصادی را به شکلی دیگر شاهدیم. این باعث شده که فعالان واقعی این عرصه نتوانند نانشان را بخورند و به حقشان برسند. همه ما به دلیل کمبود هزینه ها با موازی کاری و خرده کاری روزگارمان را می گذرانیم.

کاریکلماتور

*پس از گذاشتن عینک، از عشق با نگاه اول پشیمان شد.
*نوشته‌های سنگ قبر هر انسان هنگام تولدش نوشته می‌شوند.
*جاذبه معشوق بدتر از جاذبه زمین انسان را بر زمین می کوبد.
*آدم‌های سربه زیر کمتر جواب سربالا می‌دهند.
*برای این که کفش‌هایش را برق بیندازد، بندهای آن را در پریز فرو می‌کرد.
*شیرینی بعضی خاطرات مانند شیرینی لیموشیرین با گذر زمان به تلخی می‌زند.

برگرفته از آثار سامان فیروزی

به روایت تاریخ

غلامرضا آذری خاکستر

روایتی از سابات‌ها و بادگیرهای فراموش شده شهر مشهد

چهاردیواری‌های عتیقه

خانه‌های شهری در قدیم به سبک و سیاق متفاوتی بنا می‌شدند و هر شهر بنا به مقتضیات جغرافیایی و آب و هوایی از معماری خاصی برخوردار بود. در گذشته بخشی از خانه‌های مشهد جهت اسکان زائران بود و به جز طبقه مرفه، عموم مردم از خانه‌های معمولی برخوردار بودند. به راستی سیاحان یا مسافرانی که در دوره قاجار به مشهد آمده‌اند چه توصیفی از خانه‌ها دارند. آیا اقامت در شهر برای آن‌ها خوشایند بوده است؟

عمارت کلاه‌فرنگی برای افسر انگلیسی

برخی از سیاحان توصیف خوبی از محل اقامت داشته‌اند. مک گرگر افسر انگلیسی که در سال ۱۸۷۵ م. / ۱۲۹۲ ق. در باغ خونی اقامت داشته است راجع به محل اسکانش نوشته است؛ در برجی اقامت کردم که در ایران به «کلاه فرنگی» مشهور است. تصور می کنم این وجه تسمیه به سبب شباهت این برج‌ها به کلاه مشکی مخصوص باشد که در صحنه‌های شادد ایم از آن استفاده می شود. جایگاه من شامل یک برج هشت ضلعی دو طبقه بود.[۱] وی در بخش دیگری از سفرنامه اش به توصیف یکی از خانه های مشهد پرداخته و در خاطراتش چنین آورده است: «پس از پیچ و تاب خوردن در خیابان های باریک و بلند شهر سرانجام به خانه عباس خان که اصرار داشت فعلا مهمان او باشیم، رسیدیم. خانه چندان جالبی نبود. تنها راه ورودی آن، کوچه تاریک و باریکی بود که روی تمامی آن را خانه ساخته بودند. تازه وقتی در باز شد باید از راهروی تاریک تری می گذشتیم، به طوری که مجبور شدم دست میزبان را بگیرم. سپس در حالی که پایمان تا نزدیکی های زانو در کثافت فرو می رفت از محوطه اصطبل که بوی وحشتناکی می داد عبور کردیم. از پلکان خطرناکی بالا رفتیم و به اتاقی رسیدیم که تا حدودی قابل تحمل بود.[۲]»

خانه‌ها در مشهد، در سطحی پایین تر از خیابان ساخته می‌شدند

در «سفرنامه خراسان و سیستان» (شرح سفر کلنل بیت به ایران و افغانستان در روزگار ناصرالدین شاه)، سیمای مشهد قدیم چنین توصیف شده است: «قبل از این که به خانه‌ای وارد شوند از معابر و راهروهای سرپوشیده عبور می کردند که در اصطلاح معماری به آن «سابات» می گویند. تقریبا تمام خانه ها در مشهد، در سطحی پایین تر از خیابان واقع می شدند. علت این امر آن است که هر کسی که خواسته زمین خود را بسازد، چون نمی توانسته از خیابان یا کوچه خاک بردارد و برایش هم صرف نمی کرده که از دور دست خاک را برای تهیه خشت و گل فراهم کند، زمین خود را گود و از خاک آن استفاده کرده است.[۳]» ستوان آلکس بارنز هم که در عهد فتحعلیشاه قاجار، گذرش به شهر مان افتاده بود، از سبک خانه سازی اهالی آن دوران چنین نوشته است: «به نظر می رسد اهالی مشهد از کندن زمین خوششان می آید. زیرا برای ورود به کلیه خانه ها باید از سرازیری گذشت و می گویند خاکی که از حفر زمین به دست می آید به مصرف ساختن و تعمیرات خانه می رسد.[۴]» اما عین السلطنه نیز در روزنامه خاطراتش از خانه های خوبی که توسط ترک ها در مشهد ساخته می شود یاد کرده است.[۵] در این میان ادونون در شرح سابات درباره خانه های قدیمی مشهد نوشته است: این توده کلبه های گلی را راهروهای سرپوشیده باریکی به نام سابات ها و کوچه ها از هم جدا می کند. سقف آن ها را با کاهگل پوشانیده اند و هیچ روشنایی از آن ها نفوذ نمی کند. این کوچه ها زشت هستند، در و پنجره ندارند و پر از فضولات و زباله اند.[۶]

بادوبادگیرها

اما مک گرگر، در بخش دیگری از سفرنامه اش به سبک معماری و بادگیر خانه های مشهد اشاره کرده و نوشته است: «مشهد پر از خانه های گلی یکنواخت است که بالای بعضی شان بادگیرهایی دیده می شود. اگر چه در این شهر آدم های مهمی را دیدم اما یک خانه قابل توجه به چشم نمی خورد.[۷]» مولف کتاب «ایران و قضیه ایران» هم بادگیرهای مشهد را دیده و در این زمینه توصیفاتی به جا گذاشته است؛ «روی بام ها بادگیر جالب توجه است و در شهرهای ساحلی خلیج فارس هم زیاد دیده می شود. اصولی که در ساختن آن رعایت می شود این است که برج چهار گوش بلندی روی بام می سازند که سقف آن پوشیده است ولی از چهار طرف روزنه دارد که از آن ها هوا داخل و به اتاق پایین که اهل خانه در فصل گرما سکونت دارند وارد می شود و بدین وسیله در آن جا هوای خنک دایمی هست.[۸]»

نغمه‌های بنّایی

اما علاوه بر معماری بناهای قدیم، سبک و سیاق کار معماران هم در نسخ تاریخی و سفرنامه ها مورد اشاره قرار گرفته است. مثلا جالب است بدانید، بنّاها و کارگرها در حین کار نغمه هایی می خواندند که دور از دید سیاحان نبوده است. دالمانی سیاح فرانسوی اواخر قاجار در مشهد شاهد ساخت خانه هایی بوده است و در این باره ذکر می کند: «در ایران غالب کارها با خواندن سرود و نغمه انجام می شود. در خاطر دارم که بنّایی مشغول ساختن ساختمان بود. در بالای دیوار با خواندن آواز، خشت و گل می طلبید و با آهنگ مخصوصی می گفت: پسر جان گِل بیار... و به دیگری می گفت: جان من نیمه بده... گاهی هم زمزمه کنان کارگران زیر دست خود را دعا می کرد مثلا می گفت: پسر جان خدا تو را قوت دهد... و به دیگری می گفت: بابا جان امیدوارم به پیری برسی و[۹]...»

در خانه‌ها

نویسنده «مطلع الشمس» که یکی از آثار قدیمی است که راجع به تاریخ مشهد به وضعیت خانه های مشهد پرداخته به نقل از سیاحان خارجی نوشته است: «در خانه های مشهد چندان خوب نیست و نمایی ندارد اما غالبا از این درها که داخل می شوند، به حیاط های پاک و پاکیزه و باغچه های باصفا می رسند که پیش از ورود شخص گمان نمی کند از چنین مدخلی به چنان مکانی داخل خواهد شد.[۱۰]» در خصوص وسعت خانه ها در محلات قدیمی مشهد نیز نوشته اند: خانه های شهر چندان وسعتی ندارد و بعضی را دو حیاط است و سطح آن ها از سطح کوچه ها عمیق تر است. دهلیز خانه ها هم عمیق و تنگ و تاریک است.[۱۱] اما خانه ثروتمندان با دیوار بلند محصور شده و طبقه فقیر در آلونک هایی زندگی می کنند که در کوتاهی دارد و گاهی ارتفاع آن از سطح خیابان هم پایین تر است.[۱۲] بررسی سبک خانه های شهر مشهد در دوره قاجار نشان می دهد سیاحان و زائرانی که برای مدتی در مشهد اقامت داشته اند، رضایت چندانی از اقامت شان نداشتند.

خانه‌های زواری

بخشی از اقتصاد مردم مشهد، حتی در روزگاران دور نیز از طریق اجاره دادن خانه ها به زائران تامین می شده است. خاطرات حاج سیاح از سفرش به مشهد و توصیف خانه های زواری نشان از وضعیت نامطلوب شهر در دوره قاجار دارد؛ «کوچه های شهر تنگ و تاریک و کثیف بود. خانه هایی که به زوار اجاره داده می شدند مرطوب و تنگ و بدود در بسیاری جاها کوچه ها سرپوشیده است.[۱۳]» عین السلطنه در این زمینه نوشته است: از بس خانه های زواری نزدیک حرم بد بود دیگر خودم نرفتم، واگذار به سلیقه دیگران کردم.[۱۴] خانه زیارتی، ماهیتابی و اتاقی برای بیرونی دارد. اتاق اندرون هم مبله است. زیارت هم خودش باید بخواند. در این جا رسم است خانه هر زیارت نامه خوان کرایه شد، زیارت با اوست.[۱۵]

کرایه ۵۰ تا ۱۵۰ ریالی خانه‌های مشهد

در اوایل قرن حاضر برای زندگی متوسط در مشهد در ماه ۳۰۰ تا ۴۵۰ ریال کافی بود. کرایه منزل از ماهی ۵۰ تا ۱۵۰ ریال به تفاوت منزل و محل، بستگی داشت. گاهی در محل ارگ و سراب و خیابان علیا گران تر از محلات نوغان و عیدگاه و پایین خیابان بود. علاوه بر اماکنی که برای زوار و مسافران ساخته شده بود، خانه هایی نیز وجود داشت که در آن ها اتاق های خوب و قابل سکونت یافت می شد. کرایه ماهیانه هر اتاق از این منازل از ۳۰ تا ۹۰ ریال اختلاف داشت. هر خانه دو تا پنج اتاق داشت. آشپزخانه و زیرزمین نیز در آن موجود بود. تقریبا اغلب خانه ها آب غیر شرب شان از چاه تامین می شد.[۱۶]

منابع

[۱] شرح سفری به ایالت خراسان. کلنل سی. ام. مک گرگر. ترجمه مجید مهدیزاده. ج۲، ص۴۴
[۲] همان. ج۱ ص۲۴۹
[۳] سفرنامه خراسان و سیستان، شرح سفر کلنل بیت به ایران و افغانستان در روزگار ناصرالدین شاه، چارلز ادوارد بیت، ص۳۰۲
[۴] سفرنامه بارنز: سفر به ایران در عهد فتحعلیشاه قاجار. ستوان آلکس بارنز. مترجم: حسن سلطانی فر، ص۵۹
[۵] روزنامه خاطرات عین السلطنه (قهرمان میرزا سالور). به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار. ج۲. ص۱۶۷۶
[۶] مشهد از نگاه سیاحان از ۱۶۰۰ تا ۱۹۱۴ میلادی (با تاکید بر منابع ترجمه شده به فارسی). بهروز طاهرنیا، ص۱۳۵
[۷] شرح سفری به ایالت خراسان. ج یک، ص۲۵۱
[۸] ایران و قضیه ایران، جرج. ن. کرزن. ترجمه وحید مازندرانی. ج یک، ص۲۱۸.
[۹] از خراسان تا بختیاری. هانری رنه دالمانی. ترجمه فره وشی، ص۶۲۵
[۱۰] مطلع الشمس. محمدحسن خان صنیع الدوله. اعتماد السلطنه. ج۲ ص۱۸
[۱۱] همان، ص۴۴
[۱۲] ایران و قضیه ایران. ج یک، ص۲۱۷
[۱۳] خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت. حمید سیاح، ص۱۳۲
[۱۴] روزنامه خاطرات عین السلطنه (قهرمان میرزا سالور). به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار. ج۲. ص۱۶۷۶
[۱۵] همان، ص۱۶۷۷
[۱۶] مشهد در آغاز قرن چهارده خورشیدی مشهور به گزارش مکتب شاهپور، ص۱۷۲-۱۷۱

یادداشت

عبدا... رضیان

عضو هیئت رئیسه کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی

صنعت نساجی و دغدغه‌هایی برای تعالی و عبور از رکود

صنعت نساجی ایران، علی رغم گستردگی، قدمت و سابقه طولانی و درخشان خود در گذشته، چنان که باید و شاید تاکنون نتوانسته است همانند دیگر صنایع رشد کند، در حالی که کشورهای دیگری نظیر ترکیه تا یکی دو دهه قبل در صنعت نساجی به مراتب عقب تر از ما بودند اما اینک در سطح جهان جایگاه مناسبی را به خود اختصاص داده‌اند. رشد این صنعت در کشور ما از واردات قاچاق تاثیر زیادی پذیرفته است. واردات غیر قانونی محصولات نساجی و پوشاک، بهره وری کم، فرسوده بودن ماشین آلات، کم بودن مقیاس تولید و کمبود نقدینگی از جمله مشکلات موجود در این صنعت است که مانع از تعالی آن می شود.

به طور کلی بالا بودن قیمت تمام شده محصولات نسبت به کالاهای مشابه خارجی، فقدان دانش پیشرفته و ضعف فناوری، تامین نقدینگی و سرمایه در گردش، بدهی صنعت گران به بانک ها، بالا بودن نرخ بهره، فرسوده بودن ماشین آلات، عقب افتادگی در زمینه مدل سازی پوشاک، اتخاذ سیاست های تعرفه ای برای صادرات و واردات کالا، ضعف قوانین و مقررات تولید در کشور، کاهش بهره وری، رکود داخلی و نابه سامانی فضای کسب و کار از جمله تنگناهایی هستند که صنعت گران در بخش نساجی امروزه با آن دست و پنجه نرم می کنند. تحت تاثیر این عوامل و نبود رقابت پذیری با محصولات خارجی، صنعت نساجی ایران نتوانسته است جایگاه مناسبی در تجارت جهانی منسوجات و پوشاک به دست آورد که در نهایت، به ایجاد معضل واردات کالاهای قاچاق در صنایع نساجی و پوشاک منجر شده است.

در حقیقت باید با صراحت اذعان کرد که قاچاق گسترده پوشاک و پارچه از کشورهای ترکیه، چین و کشورهای آسیای شرقی و ... صنایع نساجی کشور را با بحران مواجه ساخته است. آن چه هم اکنون به رونق بیش از پیش صادرات چین کمک کرده، قیمت نسبتا ارزان این کالاها در بازارهای جهانی است که از این لحاظ چین رتبه اول را بین کشورهای صادر کننده محصولات نساجی به بازار ایران به دست آورده است. البته کاهش حجم خرید مردم، تنوع برندهای خارجی در بازار، وجود کالاهای وارداتی با قیمت های بسیار پایین تا بسیار بالا، ورشکستگی تولید کنندگان با سابقه در صنعت نساجی ایران، کاهش چشمگیر تعداد بنگاه های بزرگ، افزایش بیکاری و ترک شغل در واحدهای تولیدی، به روز رسانی نکردن ماشین آلات، ضعف آموزش نیروی انسانی در این صنعت و نقصان در سرمایه گذاری روی زیرساخت و توسعه برندهای ایرانی از دیگر مسائلی است که در تداوم رکود این صنعت مزید بر علت شده است.

البته نباید از این مهم غافل شد که مشکلات اقتصادی و مدیریتی بسیاری نیز در این حوزه وجود داشته که گاهی منجر به افول و ورشکستگی شرکت های فعال در این حوزه می شود. بدیهی است که بخش اعظم این افول، به علت نشناختن نیازهای مشتری یا به عبارتی نبود چابکی در پاسخ گویی به اقتضائات و درخواست های بازار بوده است.

مدیریت نساجی و پوشاک در بخش خصوصی مدیریت سنتی است و این مقوله خود عامل دیگری است که نوآوری را از این عرصه دریغ می کند. ما این توان را داریم که مدیریت به روز را اعمال کنیم و این صنعت به صورت مکانیزه اداره شود.

در همین زمینه با توجه به شرایط فعلی، دولت باید علاوه بر بهبود فضای کسب و کار، بسته های حمایتی برای پشتیبانی از قشر تولید کننده لحاظ کند، همچنین دولت باید اجازه دهد که صادر کنندگان محصولات نساجی با استفاده از ارز ارزان تر وارد میدان رقابت بین المللی شوند و برای پوشاک تولید داخل تبلیغ کنند.

مجلس شورای اسلامی نیز به نوبه خود در دو حوزه قانون گذاری و نظارت برای احیای این صنعت اقدام کرده است، به طوری که می توان چنین بیان کرد که در شرایط فعلی قانون رفع موانع تولید و قانون رونق فضای کسب و کار و ... در این خصوص و برای کمک به چنین عرصه هایی پیش بینی شده است. در بُعد نظارتی نیز مجلس شورای اسلامی باید وزارت صنعت را ملزم به حمایت از این صنعت کند.

در پایان باید بیان کرد؛ صنعت نساجی با بهره گیری از قدمت طولانی، حجم سرمایه گذاری، نرخ بالای ارزش افزوده، پیوندهای پیشین و پسین با صنایع دیگر و اقتصاد ملی و نیروهای انسانی فراوان، دارای امکانات بالقوه بسیاری جهت پیشرفت و ارتقای کمی و کیفی خود و اقتصاد ملی است.

این در حالی است که این صنعت به عنوان ریشه ای ترین صنعت کشور با چالش های بسیاری نیز مواجه است که این چالش ها عمدتا ناشی از رقابت نابرابر با محصولات وارداتی، فرسودگی ماشین آلات، کمبود سرمایه گذاری و نظایر آن است. بنابراین فعالان این صنعت باید با سرمایه گذاری در حوزه انتقال و کسب فناوری های روز دنیا، آموزش نیروی انسانی خود و برندسازی محصولات تولیدی، زمینه های رشد در صنعت نساجی ایران را فراهم کنند.

همچنین مسئولان مربوط نیز باید با ارائه راهکارهای سنجیده و جامع برای نجات این صنعت اقدام کنند و هر چه زودتر برای جلوگیری از زوال کامل آن چاره ای بیندیشند. بی شک اگر مشکلات صنعت نساجی حل و فصل نشود، شاهد اضمحلال ریشه دارترین و قدیمی ترین صنعت کشورمان خواهیم بود.

بریده کتاب

ما آدم‌ها به جای آن که زندگی کنیم و باشیم فقط در حال جمع کردن و داشتن هستیم. ما به پدیده‌ها به چشم مایملک نگاه می کنیم و به آن‌ها چنگ می‌زنیم تا پیش خودمان نگه داریمشان.

ما به جای آن که دنبال دانستن باشیم، دنبال جمع کردن اطلاعات هستیم. به جای آن که از پول لذت ببریم، دنبال ذخیره کردن برای آینده هستیم، به جای آن که به بچه‌هایمان فرصت حضور و زندگی کردن بدهیم، سعی می کنیم مثل یک دارایی آن‌ها را داشته باشیم، تا آن طور که ما می خواهیم زندگی کنند و به آن چه ما باور داریم، ایمان بیاورند.

به جای آن که از لحظه‌ای که در آن هستیم لذت ببریم، سعی می کنیم با عکس گرفتن، آن لحظه و خاطره را تصاحب کنیم و... شاید یک نتیجه این تمایل ما به داشتن و نگه داشتن، این باشد که مرتب دنبال ثبات می گردیم. می خواهیم همه چیز را در بهترین حالت آن حفظ کنیم. دوست داریم همیشه جوان بمانیم و سالم. دوست داریم وسایلی که به ما مربوط است نو و سالم باقی بمانند...

در همه این‌ها ما دنبال "ثبات" و "قرار" هستیم و از این بابت متحمل اضطراب و رنج می‌شویم. اگر جرئت داشته باشیم این قانون را بپذیریم که دنیا بی ثبات است و هیچ چیز پایدار نیست، به آرامش بزرگی می‌رسیم.

داشتن یا بودن؟ - نویسنده: اریک فروم

دیالوگ

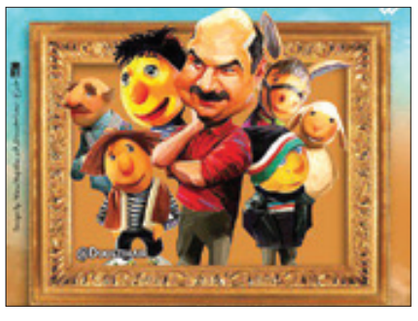

فامیل دور: هیچ وقت تو زندگیتون با یک خر درد دل نکنید.
فامیل دور: آقای مجری من با زوری که در این خر می‌بینم افق‌های روشنی در برابر خودم می‌بینم.
جیگر: من خررررر نیستم، من خررررر نیستم، من خررررر نیستم!
فامیل دور: ببخشید جسارت کردم، شما عقابی، پروانه‌ای، من خرم که با تو توی این خونه موندم!

کلاه قرمزی - ایرج طهماسب